

تجارب زیسته مادران از والدگری موفق در تحصیل: مطالعه پدیدارشناختی

جواد عینی پور*^۱، نیلوفر شباهنگ^۲

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم و فنون منابع سازمانی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

۲. کارشناس علوم تربیتی، پردیس بنت الهدی صدر، دانشگاه فرهنگیان، رشت، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۴

چکیده

زمینه و هدف: موضوع ارتباط والدین و فرزندان، سال‌ها نظر صاحب‌نظران تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد. این پژوهش با هدف استنباط درک مادران از والدگری موفق در تحصیل انجام شده است تا زوایا و ابعاد آن را مشخص کند. اگرچه پژوهش‌های کمی زیادی به بررسی رابطه سبک‌های والدگری با موفقیت تحصیلی پرداخته‌اند اما تنها شیوه‌ای که می‌تواند برداشت ذهنی مادران از موفقیت تحصیلی را ترسیم کند تحقیق کیفی از نوع پدیدارشناختی است.

روش: از بین مادران دارای فرزند موفق در تحصیل در شهرستان رشت استان گیلان، تا رسیدن به حد اشباع اطلاعات، ۳۱ نفر به شیوه نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شده و مورد مصاحبه قرار گرفتند. گفتگوها با کسب اجازه از افراد، ضبط و بر روی کاغذ یادداشت شد و با استفاده از روش کلابیزی، جملات و عبارات آم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: با تحلیل داده‌های به دست آمده، ۱۲ مفهوم اصلی از والدگری موفق در تحصیل استخراج شد که عبارت‌اند از: انضباط، تحریک کنجکاوی، خود‌تحصیلی، مشاوره، نقش معلم، ویژگی‌های فردی، اطلاعات، مطالعه، هدف‌گزینی، انتظارات، محیط، و استقلال.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش نقش سه عامل، اساسی و محوری به نظر می‌رسد: تعامل ویژگی‌های فردی با مادر، تعامل دانش‌آموز - معلم، خود‌تحصیلی. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان استنباط کرد که خود‌تحصیلی به‌منزله خزانه‌ای است که جمع‌کننده تمامی اقدامات مادران، معلمان، و ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان است.

کلیدواژه‌ها: تجربه مادران، پدیدارشناسی، موفقیت تحصیلی، والدگری

*نویسنده مسئول: جواد عینی پور، استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم و فنون منابع سازمانی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

تلفن: ۰۹۱۱۱۳۰۱۷۸۷

ایمیل: Joooo.einipour@gmail.com

مقدمه

اگرچه همه والدین خواهان پیشرفت تحصیلی فرزندان خویش هستند اما همه والدین در این کار موفق نیستند (۱). موضوع ارتباط والدین و فرزندان، سال‌ها نظر صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد. کودک در خانواده، پندارهای^۱ اولیه درباره جهان و همچنین شیوه‌های سخن گفتن و هنجارهای اساسی رفتار را فرا گرفته و نگرش‌ها، اخلاق، و روحیات خود را شکل می‌دهد و به عبارتی اجتماعی می‌شود (۲).

والدین نقش تأثیرگذاری بر موفقیت تحصیلی فرزندان را دارند اما نقش پدر و مادر در این زمینه متفاوت است (۳). شیفر^۲ بر اساس مشاهدات تعاملات کودکان ۱ تا ۳ ساله با مادران آنها، طبقه‌بندی مبتنی بر دو جنبه رفتار والدینی یعنی آزادی- مهار (سهل‌گیری در مقابل سخت‌گیری) و سردی- گرمی (پذیرش در مقابل طرد) را ارائه کرده و نتیجه گرفته است که مادران پذیرنده یا طرد کننده می‌توانند سخت‌گیر یا آسان‌گیر باشند (۴). این ویژگی‌های مادران یا همان سبک‌های والدگری قویاً پیشرفت تحصیلی و یا میزان موفقیت تحصیلی فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برای مثال، صمدی (۵) و ولیمالی (۶) نشان دادند که شیوه‌های تربیتی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد. دوانگی، اجارد و گریس (۷) نشان دادند که بین نگرش مثبت والدین نسبت به دانش و پیشرفت تحصیلی رابطه مستقیم و قوی وجود دارد. همچنین رشد تحصیلی مادران در درک و باورهای آنها درباره موفقیت تحصیلی نقش دارد (۸).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند مادرانی که جهت‌گیری تسلط‌یابی در اهداف درسی دارند ادراکشان از موفقیت تحصیلی با مادرانی که جهت‌گیری عملکردی دارند، تفاوت دارد. مادران دارای جهت‌گیری تسلط‌یابی، تلاش کودک را ترجیح می‌دهند

و با احتمال بیشتری برای تلاش به عنوان دلیل اصلی عملکرد خوب کودکان در مدرسه، ارزش قائل‌اند. برعکس، مادران دارای گرایش عملکردی به رتبه بها می‌دهند و اینکه عملکرد فرزندانشان تا چه اندازه از دیگران بهتر است. آنها به نمرات و عملکرد نسبت به سایر دانش‌آموزان اهمیت بیشتری قائل می‌شوند (۳). الیوت و مک گریگور با ترکیب نظریه‌های شناختی- اجتماعی در این زمینه، مدلی را ارائه کردند که در آن دو هدف تسلط‌یابی^۳ و عملکردی^۴ با دو جاذبه گرایشی^۵ و اجتنابی^۶ معرفی می‌شوند (۹). در جهت‌گیری‌های گرایشی، دانش‌آموز برای رسیدن به اهداف هنجار شایستگی تلاش می‌کند اما در جهت‌گیری‌های اجتنابی، دانش‌آموز فقط برای اجتناب از شکست تلاش می‌کند (۱۰). بیشتر پژوهش‌هایی که قبل از تقسیم‌بندی آنها به گرایشی و اجتنابی انجام شده است، ارزش بیشتری برای تسلط‌یابی گزارش کرده‌اند (۱۱) اما در پژوهش‌های بعدی، نتایج متناقضی درباره این تقسیم‌بندی گزارش شده است. در هر صورت نتایج غالب پژوهش‌ها این است که جهت‌گیری‌های گرایشی نسبت به جهت‌گیری‌های اجتنابی برای پیشرفت تحصیلی، ارزش شناختی و روان‌شناختی بیشتری قائل هستند (۱۲).

البته ویژگی‌های فرزندان در هر مقطع نیز عامل دیگری است که اثربخشی آن در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان به درک و تشخیص آن توسط والدین و به‌ویژه مادران، مرتبط است. نیک‌سیرت، خادمی و هاشمی (۱۳) نشان دادند که انگیزش تحصیلی در بعد انگیزش درونی و خرده‌مقیاس‌های آن که شامل چالش، کنجکاوی، و تسلط مستقلانه است، در دانش‌آموزان دبستانی به طور معنی‌داری بیشتر از دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستانی است. میانگین انگیزش بیرونی و خرده‌مقیاس‌های آن که شامل ترجیح کار آسان، خوشایندی معلم، و وابستگی به قضاوت معلم است، در دانش‌آموزان

1. Supposition
2. Schaefer
3. Mastery goal orientation

4. Performance goal orientation
5. Approach
6. Avoidance

راهنمایی و دبیرستانی به طور معنی‌داری بیشتر از دانش‌آموزان دبستانی بود.

ارتباط شیوه‌های تعامل والدین با موفقیت تحصیلی و درسی فرزندان، موضوع پژوهش‌های اخیر روان‌شناسان تربیتی است (۱۴-۲۰) که عمدتاً گویای ارتباط مثبت بین آنها هستند. در یک فرا تحلیل صورت گرفته مشخص شد که پاسخ‌گویی والدین (گرما)، مهار رفتاری، اعطای خودمختاری^۱، و سبک والدگری مقتدرانه^۲ با عملکرد تحصیلی بهتر فرزندان، همراه هستند (۲۱). چگونگی ادراک از موفقیت تحصیلی، ویژگی‌های فوق‌را دچار نوسان و تحول می‌کند. باید خاطر نشان کرد در سال‌های قبل نوجوانی، مادر نقش پررنگ‌تری در رسیدگی به امور تحصیلی فرزندان ایفاء می‌کند و نقش او از اهمیت بیشتری برخوردار است (۲۲). نکته حائز اهمیت این است کیفیت ادراک مادران از فرزندانشان به‌عنوان واسطه‌ای مهم بین عملکرد گذشته و ادراک کودکان از توانائی آنها عمل می‌کند (۳). البته ادراک مادران از فرزندانشان بستگی به چگونگی شکل‌گیری محیط اولیه تعاملی آنها دارد. محیط اولیه تعامل مادر با فرزند بسته به مزاج نوزاد، متفاوت خواهد بود. برخی از نوزادان با واکنش‌های اولیه مطبوع‌تر باعث می‌شوند توجه مادر بیشتر به آنها جلب شود و برخی از نوزادان نیز با واکنش‌های اولیه منفی، باعث می‌شوند رابطه مادرانشان با آنها منفی‌نگرانه باشد. نظر به تفاوت کاملاً آشکار افراد از یکدیگر در ویژگی‌های فردی (۲۳) و تأثیر آنها بر محیط (۲۴)، ظهور محرک‌های محیطی لازم برای رشد کودک، وابسته به واکنش‌های اولیه اوست (۲۵). می‌دانیم که تأثیر محیط بر الگوریتم ارثی انسان، غیر قابل انکار است و مناسب و مساعد بودن محیط و یا برعکس می‌تواند استعدادها و آمادگی‌های ارثی را متبلور و یا تضعیف کند (۲۶). کنش‌های متقابل نوزاد و مادر بعدها بر بعضی از متغیرهای یادگیری تحصیلی مؤثر خواهد بود؛ به عبارت دیگر،

انضباط‌پذیری، تکمیل اطلاعات، نوع انتظارات، میزان تحریک کنجکاوی، و میزان تمایل برای دریافت مشاوره تا حدود زیادی امتداد همان محیط اولیه کودک است. این نوع از واکنش‌ها به نوبه خویش باعث شکل‌گیری کیفیت خاص نقش معلم خواهد شد و رابطه آنها با دانش‌آموز را تعریف خواهد کرد و از سوی دیگر خود تحصیل^۳ فرد - تصورات فرد نسبت به توانایی یادگیری خود - را نیز معین خواهد کرد (۲۷-۳۰).

اگرچه برخی از نتایج پژوهش‌های کمی، گویای برخی ویژگی‌های ادراک مادران از موفقیت تحصیلی است، اما واضح است که پیچیدگی و منحصر به فرد بودن ادراک مادران از موفقیت تحصیلی، موضوعی نیست که بتوان از خلال پژوهش‌های کمی بدان دست یافت. اصلی‌ترین موضوعی که در این زمینه باید مورد پژوهش قرار گیرد این است که مادران چه برداشتی از موفقیت در تحصیل دارند؛ مسئله‌ای که بوسیله روی آورد پژوهش‌های کمی، نمی‌توان به آن پرداخت. این مقاله بر کیفیت تجربه مادران از والدگری موفق در تحصیل متمرکز شده است. در این مطالعه که به روش کیفی اجرا شد پژوهشگر با استفاده از یک مطالعه پدیدارشناسی، اقدام به کشف تجربیات زنده و ملموس والدگری از این نوع نمود؛ زیرا برای والدگری موفق و صحیح در موضوع تحصیل، نیازمند فهم دقیقی از شرایط زمینه‌ای هستیم.

روش

طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان: این پژوهش مطالعه‌ای کیفی و از نوع پدیدارشناسی بود؛ هدف از پژوهش پدیدارشناسی، توصیف تجربیات زندگی به همان صورتی است که در زندگی اتفاق افتادند. جینفر و جک^۴ (۳۱) پدیدارشناسی را عملی می‌دانند که هدف آن توصیف پدیده‌های خاص یا ظاهر امور و تجربیات زندگی است. کانون توجه پدیدارشناسی، تجربیات زندگی است زیرا این تجربیات هستند

3. Self- achievement
4. Jeanfreau & Jack

1. Autonomy granting
2. Authoritative parenting style

مصاحبه تا زمان اشیاع اطلاعات ادامه یافت به همین دلیل مصاحبه با نمونه‌های مورد پژوهش، فروردین سال ۱۳۹۳ به اتمام رسید و پس از آن بازنویسی، کدگذاری، و استخراج مضمون‌های اصلی تا تیرماه ۱۳۹۳ به طول انجامید.

ابزار: برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد؛ بدین نحو که ابتدا با هر مادر به‌طور جداگانه در اتاق مشاوره مدارس مصاحبه انجام، و با اجازه آنان تمامی گفتگوها روی نوار ضبط شد. پس از اتمام هر مصاحبه، پژوهشگر با تخصص روان‌شناسی تربیتی و ۱۴ سال تدریس و مشاوره تحصیلی به دقت به آن گوش داد و پس از آن متن مکالمات به‌صورت کتبی درآمد. سؤال پژوهش، چگونگی تجربه مادران از والدگری موفق در تحصیل بود. برای تعیین پایایی از روش بازبینی توسط همکاران (روش پایایی ارزشیابان) استفاده شد که ضریب توافق بین آنها ۰/۸۷ به دست آمد؛ به این صورت که نوار ضبط‌شده و متن پیاده شده، توسط پژوهشگر به چندین نفر از افراد صاحب‌نظر داده شد تا مورد بررسی قرار گیرد و همچنین پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز توسط افراد متخصص در این زمینه مورد بررسی مجدد قرار گرفت و ضریب توافق بین آنها ۰/۸۹ محاسبه شد.

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی^۱ استفاده شد که شامل توصیف پدیده مورد نظر توسط پژوهشگر، جمع‌آوری توصیف‌های شرکت‌کنندگان، قرائت توصیف‌های شرکت‌کنندگان، استخراج عبارت اصلی، پیدا کردن معنای عبارت اصلی، نوشتن یک توصیف جامع، مقایسه توصیف‌های شرکت‌کنندگان با توصیف محقق، و اصلاح یا افزودن موارد لازم است (۳۳).

یافته‌ها

از تحلیل مصاحبه‌ها، ۱۲ مضمون و ۵۲ زیرمضمون استخراج شد (جدول ۱) که به شرح زیر است:

که معنای هر پدیده را برای هر فرد می‌سازند و به فرد می‌گویند که چه موضوعی در زندگی او، حقیقی و واقعی است (۳۲).

جامعه آماری پژوهش را مادران دارای فرزند موفق در تحصیل شهرستان رشت در سال ۱۳۹۳ تشکیل می‌دادند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش با توجه به هدف مطالعه که کشف تجربیات مادران دارای فرزند موفق در تحصیل بود، بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. نمونه‌گیری هدفمند که نمونه‌گیری غیراحتمالی، هدفدار، یا کیفی نیز نامیده می‌شود به معنای انتخاب هدفدار واحدهای پژوهش برای کسب دانش یا اطلاعات است. این نوع نمونه‌گیری به دنبال ایجاد قوانین ثابت و تغییر ناپذیر و یا تعمیم نتایج نیست، که سعی در شناخت بهتر هر پدیده در زمینه خاص دارد (۳۳). مشخصات نمونه این پژوهش عبارت‌اند از: ایرانی بودن، سکونت در شهرستان رشت، فارس زبان، و دارای فرزند موفق در امر تحصیل. برای نمونه‌گیری هدفمند در ابتدا اطلاعات افراد موفق در تحصیل از ادارات آموزش و پرورش و مدارس جمع‌آوری شد و در ابتدا مصاحبه از مادرانی صورت گرفت که فرزندان‌شان از شاخص‌های موفقیت تحصیلی بالاتری نظیر گزارش «بسیار خوب» در تمامی دروس و یا معدل بالاتر از ۱۹ در کارنامه دو سال گذشته و مشارکت فعال در کلاس برخوردار بودند. تمامی ملاحظات اخلاقی مربوط به عدم تمایل به مصاحبه در این مطالعه در نظر گرفته شد. میانگین و انحراف معیار سن زنان شرکت‌کننده در پژوهش ۴۲/۶ و ۴/۸، و میانگین و انحراف معیار فرزندان ۱۳/۰۵ و ۱/۸ بود. میزان تحصیلات ۴ مورد کارشناسی ارشد، ۱۳ مورد کارشناسی، ۸ مورد دیپلم، ۳ مورد سوم راهنمایی، و ۳ مورد ابتدایی بود. میزان سن دانش‌آموزان عبارت بود از: ۱۵ نفر بین ۱۳ سال و ۳ ماه تا ۱۶ سال و ۶ ماه، ۱۰ نفر بین ۱۰ سال تا ۱۳ سال و ۳ ماه، و ۶ نفر بین ۸ سال تا ۱۳ سال و ۳ ماه بود.

روش اجرا: بعد از گفتن مجوزهای لازم، نمونه‌گیری در مهر ۱۳۹۲ آغاز و جمع‌آوری داده‌ها با کسب رضایت مادران برای

جدول ۱: مضامین اصلی و فرعی استخراج شده

مضامین اصلی	مضمون‌های فرعی	مضامین اصلی	مضامین فرعی
انضباط	ثبات در حرف و عمل پیگیری خواسته‌ها خط قرمز داشتن ارتباط با دوستان نوع کارها میزان حضور در بیرون استفاده از وسایل و ابزارها عدم ارتباط با مدرسه مساوی با بی‌مسئولیتی	اطلاعات	خواندن کتاب‌های روان‌شناسی مطالعه والدین به‌روز بودن
	تحریک کنجکاوی	پرسش و سؤال کاربست آموزش دادن	مطالعه
مشاوره		خودپنداشت مثبت خودکارآمدپنداری جسارت در جبران شکست مؤثر دانستن مشاوره	هدف‌گزینی
	نقش معلم	قدرت بیان رابطه عاطفی مهم بودن نقش معلم در سال‌های ابتدایی شخصیت معلم طرز برخورد معلم لذت بردن از تلاش	محیط
ویژگی‌های فردی		هوش رقابت	استقلال

انضباط

انضباط یکی از مفاهیمی است که آن را برای پیشبرد اهداف از جمله والدگری، ضروری می‌دانند. در انضباط نوعی تقید و رعایت کردن نهفته است که مضامین متجلی شدن از این مفهوم عبارت‌اند از:

ثبات در حرف و عمل: مادران احساس می‌کنند که باید در حرف‌های خویش ثابت‌قدم بمانند و آن را برای حرمت خود خویش در تسلط بر امور والدگری، ضروری می‌دانند. مادری می‌گوید: «وقتی تتونی حرفتو عملی کنی، روحیه خودت بیشتر از همه خراب می‌شه، چون یه حس بد نمی‌زاره کارتو درست پیگیری کنی... یه حسی که تصوّر یه آدم ضعیف رو از خودت تو ذهنت میاره»

پیگیری خواسته‌ها: یکی از موارد مهم در این زمینه، تداوم در پیگیری خواسته‌ها از فرزندانشان است. یعنی اینکه باید هدف خویش را دنبال کنند و به دور از تنش‌آفرینی به دنبال تحقق خواسته خود باشند: «اگه کار خواسته‌شده رو پیگیری نکنی مٹ جوِبِ آبی می‌مونه که به چندین سمت رفته».

خط قرمز داشتن: مادران برای والدگری چارچوب‌هایی را در نظر می‌گیرند که عدول از آن نوعی خط قرمز محسوب می‌شود. مادری می‌گوید: «نمی‌زارم بچه‌ام بدون اجازه‌ام جایی بره» و دیگری می‌گوید: «اول باید به درساشون برسند بعد تفریح کنن، حواسم کاملاً تو این زمینه جمع جمع است» دیگری می‌گوید: «آزادش می‌زارم ولی نباید از خط قرمز بگذره... منظورم اینه که اطلاع من از همه کاراش باید باشه، اینکه مدام بره بیرون و هر وقت خواست درس بخونه، نه، نمی‌زارم...»

ارتباط با دوستان: آنها در زمینه ارتباط با دوستان، نظرهای متفاوتی دارند. یکی می‌گوید: «این برای من مهمه که اونم در سطح خودش زرننگ باشه و بتونه بهش کمک کنه». یکی دیگر می‌گوید «نباید زیاد بهم وابسته باشن» و دیگری: «دوستی باید باشه اما بستگی داره که چه هدفی دنبال بشه... من

خیلی وقتا که دخترم می‌گه می‌خوام برم پیش دوستم، اول می‌پرسم برا چی؟ اگه ببینم که غیر ضروریه، اجازه نمی‌دم» که می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که مادران احساس می‌کنند دوستی باید به فرزندانشان کمک‌کننده باشد و در غیراین صورت نظر مساعدی نسبت به آن و یا تداوم آن ندارند.

نوع کارها: در دامنه مجاز رفتارهای در نظر گرفته‌شده توسط مادران، فرزندانشان باید از برخی از رفتارها، به دور باشند. آنها دروغ‌گویی، مخفی‌کاری، وابستگی زیاد به بازی‌های رایانه‌ای و وسایل سمعی بصری را برای موفقیت تحصیلی، زیان‌بار می‌دانند. مثلاً یک مادر می‌گوید: «بچه‌ای که زیاد نشسته پای کامپیوتر، چطور می‌تونه به درسش رسیده باشه». مادری دیگر گفت: «میگن تبلت و موبایل تو سنین پائین باعث تخریب مغز و حافظه می‌شه، به همین خاطر تبلت نداره و موبایل خودم زیاد بهش نمیدم» و مادری دیگر نیز چنین گفت: «وقتی بچه به پنهونکاری رو میاره؛ دروغ می‌گه؛ زیاد نمی‌شه به موفقیت تحصیلش دلخوش کرد... چون اولیاش از کارهاش بی‌اطلاع میمونن»

میزان حضور در بیرون: مادران به شدت از میزان حضور فرزندانشان در بیرون از منزل نگران هستند و این عمل اضطراب آنها را نسبت به امور تحصیلی فرزندانشان بالا می‌برد و نوعی حس منفی را تجربه می‌کنند. مادری می‌گوید: «کلاً بین بیرون موندن و درس نخوندن رابطه هست. این دوتا با هم مخالفن». مادری دیگر می‌گوید: «هر وقت بیرونه حس خوبی ندارم... همش فکرهای منفی تو سرم می‌آد حتی اگه مطمئن باشم که جای بدی نیست».

عدم ارتباط با مدرسه مساوی با بی‌مسئولیتی: مادران ارتباط با مدرسه را به‌عنوان بخشی از برنامه انضباطی فرزندان خویش در نظر می‌گیرند: «اون مادر باید خیلی بی‌مسئولیت باشه که ارتباط نداشته باشه... من سعی می‌کنم هر از گاهی برم مدرسه و ببرسم بچم تو محیط مدرسه با دوستاش و حتی با مدیر و معلمش چطور بر خورد می‌کنه، حالا از لحاظ تحصیل که جدا، منتها می‌خوام ببینم در بقیه زمینه‌ها هم در چه وضعیتی

قرار داره». مادری دیگر می گوید: «من زیاد با مدرسه در ارتباط هستم. می خوام بدونم اونجا چه جوریه»

تحریک کنجاوی

کنجاوی یکی از ابزارهای تفکر محسوب می شود و از دیدگاه مادران بااهمیت تلقی می شود و سعی می کنند با تحریک آن رسیدن فرزندانشان به سطوح بالاتری از تفکر را تسهیل کنند. مضامین نهفته در این مفهوم عبارت اند از:

پرسش و سؤال: مادران، سؤال پرسیدن زیاد را مفید می دانند. مادری می گوید [با خنده]: «اونقد سؤال می پرسم تا اینکه دیوونه اش کنم»

کاربست: مادران دارای فرزندان موفق در تحصیل اکثراً مشاهده کرده اند که فرزندان زیاد دوست دارند که اصول آموخته شده را در موقعیت های زندگی و یا در جاهایی که می توانند آن را عرضه کنند، به کار ببرند و تصورشان بر این است که چنین عملی نشانه ای از درک خوب و انگیزه بالای آنها درباره موضوع آموخته شده است. مادری می گوید: «به روز پسرم اومد خونه شروع کرد متر رو برداشتن و مساحت اتاقشو اندازه گرفتن... جالب بودم برام اون روز اینا مساحت خونده بودن». مادری دیگر: «خوشش می آد وقتی می گم بیا این سوره رو از قرآن (قرآن کامل) برام بخون و من گوش کنم» مادری دیگر: «به روز همه نشسته بودیم کنار یه دره ای... راجع به این که چقدر عمیق و قشنگه صحبت می کردیم... پسرم شروع کرد که به این که دره ها چه جوری ایجاد می شن و فشار زمین و لایه های زمینو و از این چیزا گفتن... دیدم که با یه لذتی داره اینا رو می گه و از ما می خواد که اونو بخاطر دونستنش مستحق تقدیر بدونیم... داشت یه جورایی خودشو به رخ ما می کشید»

آموزش دادن: مادران آموزش دادن درس به کسی دیگر نظیر همکلاسی و افراد دیگر را برای تسلط بر امور درسی مفید می دانند و سعی می کنند با تدارک و تمهید، فرزندانشان را به این سمت وسو بکشانند. یک مادر می گوید: «بعضی موقع سعی می کنم درسی رو که خونده به یکی تدریس کنه چون این

کارو مفید می دونم... می دونین از کی فهمیدم؟ از وقتی که دیدم معلم بازی رو خیلی دوست داره...».

خود تحصیل

مادران ژست تحصیلی فرزندان موفق خویش را به وضوح می بینند. آنها نوعی اهمیت و ارزش گذاری را برای مدرسه و درس خواندن و معلم می بینند که نشان دهنده خود تحصیل مثبت فرزندان است.

خودپنداشت مثبت: مادران، فرزندان موفق خویش را دارای تصویری مثبت از خویش می بینند و احساس می کنند که آنها دارای درک روشن و مشخصی از توانایی های خویش باشند. مادری می گوید: «پسرم همش می گه به من می گن فلانی (اسمشو می گه)... آگه تو زمینه ای به مشکلی بر بخوره اینو می گه و می بینم که بعدش همه تلاشش متمرکز می شه روش که از پشش بر بیاد... خوشحالم که از خودش تصور مثبت داره»

خودکارآمدپنداری: این احساس در مادران است که فرزندانیشان خود را مؤثر می بینند و عدم تمایل به ضعف نشان دادن را در آنها می بینند مادری می گوید: «پسرم هر کاری ازش بخوای، ضعف نشون نمی ده حتی آگه بلد هم نباشه یه جورایی نشون می ده که خیلی زود و سریع برام انجام می ده... یعنی خیلی سریع میره از کسی می پرسه و بعد طوری نشون می ده که من خودم بلد بودم». همچنین نوعی حالت استقلال کاری در آنها مشاهده می شود. مادری می گوید: «وقتی داره کاری رو انجام می ده؛ زیاد سؤال نمی پرسه، منظورم اینه که مثل بعضی از بچه ها نمی خواد هی تأیید بگیره و ادامه بده...»

جسارت در جبران شکست: مادران در اینکه فرزندش از شکست چه رفتاری در پیش می گیرد به تداوم احساس ناراحتی تا جبران آنها اشاره می کنند. مادری می گوید: «وقتی نمره اش کم می شه می بینم که یه خورده میره تو خودش و معذب تر به نظر می رسه، خیلی زود از سر سفره پاشه می ره تو اتاقش؛ تمایلی به دیدن فیلم نشون نمی ده؛ تو حس خوشحالی های خانواده قرار نمی گیره تا وقتی که نمره شو خوب کنه». مادری

دیگر می گوید: « وقتی نمره‌ش پائین می‌شه، هی می‌گه ای کاش یه بار دیگه امتحان می‌گرفت ... مامان نمی‌تونم بیای بگی زودتر یه بار دیگه امتحان بگیره».

مشاوره

مشاوره یکی از ابزارهای آگاهی بیشتر مادران برای تربیت موفق فرزند در امر تحصیل به شمار می‌رود. رجوع به مشاوران باعث می‌شود که مادران طراز رفتارها و تعاملات خویش را به صورت حرفه‌ای ارتقاء بخشند.

مؤثر دانستن مشاوره: مادران مشاوره را برای رفع

مشکلات دانش‌آموزان خویش در حوزه‌های مختلف برنامه‌ریزی، افزایش انگیزه تحصیلی، خودتنظیمی و دیگر مسائل مربوط به یادگیری تأثیرگذار می‌بینند. مثلاً مادری می‌گوید: « برنامه‌ریزی یه کار تخصصیه به نظرم، باید حرفه‌ای اونو چید، من معمولاً برای برنامه‌ریزی بچه‌هام از مشاور کمک می‌گیرم». مادری دیگر می‌گوید: « اگه بینم تو زمینه‌ای اطلاع ندارم معمولاً به مشاوره می‌رم. مثلاً واسه اینکه تو هر سنی چطور باید باهاش برخورد کرد، جلساتی داشتم. خوب بود».

نقش معلم

معلم دارای نقش ارتباطی و رشدی بی‌بدیلی برای دانش‌آموز محسوب می‌شود. ویژگی‌های معلم‌ان بیشترین تأثیر را بر آرامش، خودتحصیلی، و اعتماد به خود درسی آنها می‌گذارند.

قدرت بیان و رابطه عاطفی: مادران داشتن قدرت بیان و

روابط عاطفی خوب را با فرزندانشان، عاملی برای پیشرفت آنها قلمداد می‌کنند. آنها این ویژگی‌ها را باعث دوست داشته شدن معلم می‌دانند. مادری می‌گوید: «اگه بچه‌ها معلمشونو دوست داشته باشن، بهتر اون درسو یاد می‌گیرن و اون معلم هم باید قدرت بیان و رابطه عاطفی‌ای که با بچه‌ها ایجاد می‌کنه هم خوب باشه».

مهم بودن نقش معلم در سال‌های ابتدایی: مادران برای

معلمان ابتدایی، نقشی پررنگ قائل هستند و آنها را از لحاظ تأثیرگذاری حتی از خودشان نیز مؤثرتر می‌دانند. مادری

می‌گوید: «معلم خوب می‌تونه یه الگو برای هر دانش‌آموزی باشه، دانش‌آموزان خصوصاً توی سنین کودکی علاقه خیلی زیادی به معلمشون دارن، بنابراین وقتی الگوی خوبی باشه می‌تونه آینده شونو تضمین بکنه»

شخصیت معلم: مادران معمولاً از شخصیت معلم به‌عنوان

یک عامل برای پیشرفت تحصیلی یاد می‌کنند و آن را شامل تشخص، دلسوزی و تعهد می‌دانند. مادری می‌گوید: «خدا رو شکر معلمای بچه‌ام تا الان خوب بودن؛ خیلی متشخص بودن و به آدم‌ها احترام می‌ذاشتن؛ دلسوز بودن و خیلی به کارشون اهمیت می‌دادن». مادری دیگر می‌گوید: «معلمی که دلسوز نباشه، نمی‌تونه کار به این سنگینی رو پیش ببره؛ منظورم انگیزه تحصیلی بچه‌هاست... خیلی حوصله می‌خواد».

طرز برخورد معلم: نحوه تعامل معلم از دیدگاه مادران

باعث تأثیر بیشتر حرف او بر دل‌ها می‌شود. مادری می‌گوید: «فکر می‌کنم اگه معلم خوب باشه اون حرفش بیشتر به دل آدم می‌شینه». همچنین مهربانی و خوش‌خلقی را باعث برانگیختن علاقه به کتاب‌های درسی می‌دانند. مثلاً مادری می‌گوید: «وقتی معلم مهربون باشه و تأثیر مثبت روی بچه‌ها بذاره با علاقه بیشتری بچه‌ها درس می‌خونن».

ویژگی‌های فردی

مادران احساس می‌کنند که برخی از ویژگی‌های فرزندانشان که بیشتر ارثی است، در موفقیت تحصیلی نقش بازی می‌کند. آنها اعتقاد دارند این ویژگی‌ها باعث می‌شود تعاملات فرزندانشان با افراد مدرسه و معلمان و مسئولان مدرسه به صورت خاصی بروز کند.

لذت بردن از تلاش: مادران تلاش و کوشش فرزندانشان

را لازم می‌دانند و معتقدند که تلاش کردن بهتر از عدم تلاش است. مثلاً مادری می‌گوید: «باید برای هدفش تلاش کنه حتی اگه بهش نرسید اشکال نداره حداقل تلاششو بکنه و بعد پشیمون نشه که تلاش نکرده و بگه که اگه تلاش می‌کرد بهتر می‌شد». همچنین مادری دیگر دلیل موفقیت فرزندش را

مطالعه، انگیزه، درک و تمرکز، تمرین، و دستیابی به ملاک، بیشترین تأثیر را می‌پذیرد.

خوب گوش دادن: والدین یکی از ویژگی‌های مطالعه را دقت و تمرکز حواس در کلاس درس بیان می‌کنند؛ یعنی مطالعه را از گوش کردن در کلاس را از آن جدا نمی‌دانند. مادری می‌گوید: «سر کلاس حواسشون جمع و خوب گوش می‌دن».

ساعت مطالعه: والدین مطالعه کردن و تمرین برای آن را وابسته به وجود شرایط آرام می‌دانند و این اوقات را برای مطالعه فرزندان خویش و تمرین کردن با آنها ترجیح می‌دهند. مادری می‌گوید: «سعی می‌کنم وقتی که آرامش فکری بیشتری داره، راحت تره باهاش کار کنم. اگه خسته باشه، زیاد باهاش کار نمی‌کنم».

علاقه به مطالعه و انگیزه: والدین دارای فرزندان موفق احساس می‌کنند که فرزندانشان با عشق و علاقه درس می‌خوانند. مادری که دارای فرزندی در رشته ریاضی فیزیک است می‌گوید: «همین که فکر می‌کنم با اشتیاق درس می‌خونه، رشتشو دوست داره؛ واسه همین موفقه».

یادداشت برداری: مادران همچنین احساس می‌کنند که تمرین و تکرار و یادداشت برداری خیلی در موفقیت درسی مؤثر است: تمرین و تکرار به نظم خیلی مفید، بهترین چیز یادداشت کردن نکات مهم و ویژه هست. مادری دیگر می‌گوید: «تو مطالعه تمرین و تکرار خیلی مهمه».

برنامه ریزی: مادران برنامه ریزی را عاملی برای رسیدن به هدف مطرح می‌کنند. مثلاً مادری می‌گوید: «ما با برنامه ریزی ای که می‌کنم به هدفمون می‌رسیم».

مفهومی خواندن: این مادران برای درک و فهم و رسیدن به عمق و کنه مطالب درسی توجه ویژه‌ای در نظر می‌گیرند: «مثلاً من خودم سعی می‌کردم مفهومی یاد بگیرم و حفظ نکنم و احساس می‌کنم اینم تو بچه من وجود داره، مفهومی می‌خونه و حفظ نمی‌کنه» و همچنین قابلیت اجرایی شدن را منوط به آن

اینگونه بیان می‌کند: «پشتکار داره، اراده داره، علاقه نشون می‌ده».

هوش: مادران از هوش به عنوان عاملی یاد می‌کنند که زمان یادگیری را کوتاه کرده و سرعت پردازش ذهنی را هموار می‌کند. مادری می‌گوید: «هوش می‌تونه تأثیرگذار باشه؛ مطلوبه کم می‌خونن، زود می‌گیرن... می‌فهمن».

اطلاعات

داشتن اطلاعات نقش مهمی در پرورش همه‌جانبه فرزندان ایفا می‌کند. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های اطلاعاتی مفید برای موفقیت تحصیلی، روان‌شناسی است چراکه با معرفی انواع حیطه‌های تحول شناختی، عاطفی، اجتماعی، و اخلاقی می‌تواند دستورالعمل‌های لازم را برای تعامل صحیح با فرزندان در اختیار آنها قرار دهد. والدین موفق احساس می‌کنند که باید خودشان نیز مطالعه داشته باشند تا اطلاعات لازم را در زمینه‌های مختلف کسب کنند. این اطلاعات به آنها کمک خواهد کرد تا شیوه‌های لازم برای برخورد با فرزندان خویش را یاد بگیرند.

خواندن کتاب‌های روانشناسی: مادران کتاب‌های روان‌شناسی را برای شناخت بیشتر فرزندانشان مفید می‌دانند. مادری می‌گوید: «من کتابای روان‌شناسی رو دوست دارم. باعث می‌شن بچه‌ها رو بیشتر بشناسیم».

به روز بودن: والدین احساس می‌کنند که مطالعه کردن آنها را به روز نگه می‌دارد. مثلاً مادری می‌گوید: «یکی از راه‌های پیشرفت توی حالا؛ کارا، تو هر زمینه‌ای می‌تونه مطالعه کردن باشه».

مطالعه به عنوان عامل تأثیرگذار بر ذهن: والدین همچنین احساس می‌کنند که مطالعه کردن باعث می‌شود ذهنشان نسبت به مسائل آگاه‌تر شود. مادری می‌گوید: مطالعه می‌کنم؛ رمان‌ها و کتابائی که ذهنمون باز کنه».

مطالعه

مطالعه کردن یکی از عناصر ضروری و لازم برای موفقیت تحصیلی به شمار می‌رود که از راهبردهای نادرست متأثر می‌شود. مطالعه کردن هنری است که از عامل‌هایی نظیر میزان

باشن.. بالاخره ما آگه جامعه مونو نسازیم با همین بچه‌هایی که داریم، ضرر می‌کنیم، مگه کشورای دیگه بچه‌هاشون چه جورین؟ همینجورین دیگه».

انتظارات

ترکیبی از خواستن‌ها و حالات عاطفی همراه با آن در قالب انتظارات از فرزندان، باعث راه‌اندازی پاسخ‌های عاطفی و تلاش‌های برآورنده آن خواسته‌ها توسط فرزندان می‌گردد.

آرزوها: این مادران آرزوها برآورده نشده خویش درباره تحصیل را به شیوه‌های مختلفی به فرزندان خویش بیان می‌کنند که رسیدن به مقطع تحصیلی بالاتر، مهم‌ترین آنها است: «همیشه بهش می‌گم کاش تو موقعیتی قرار داشتی که بتونم ادامه تحصیل بدم... حسرت منو برای ورود به مقطع بالاتر می‌بینی خودش و می‌دونه...».

شهرت: مادران خواهان رسیدن فرزندانشان به نام و شهرت هستند: «باید واسه خودش کسی بشه، تو مملکت مفید باشه، بتونه گره ای از مسائلو حل کنه، اینا رو می‌خوام».

جسور بودن: مادران توقع دارند که فرزندانشان جرئت روبرو شدن با مسائل و مشکلات درسی را داشته باشند و از شکست هراسان نباشند: «به خودشون اعتماد می‌کنن، نمی‌ترسن و امتحان می‌کنن؛ این همونیه که می‌گن طرف جسارت داره؛ خب شکست بخورن ولی خُب، خیلی چیزای مهمتری بدستشون اومده به نظرم».

الگو گرایی: مادران نقش الگوها را مهم می‌دانند. مادری می‌گوید: «خیلی مهمه آگه کسایی که دوروبر بچه باشن که موفقیتائی داشته باشن صد درصد روش تأثیر می‌ذارن، مهمه».

محیط

محیط موردنظر والدین برای درس خواندن از ویژگی‌هایی برخوردار است که در حالت عادی در خانواده وجود ندارد بلکه نیازمند ساختن آن است که آرامش صفت مشخصه آن است.

آرامش داشتن: مادران به آرامش و سکوت محیط مطالعه اشاره می‌کنند: «بهر مطالعه تو یه محیط کاملاً آرام و ساکت

می‌دانند: «یعنی اینکه آدم چیزی که می‌خونه، یاد می‌گیره، اونو بفهمه، بتونه درکش کنه و اونو به اجرا بزاره».

نمره خوب: مادران برای موفقیت تحصیلی به ملاکی به‌عنوان نمره ارزشی فراوان قائل هستند: «موفقیت تحصیلی یعنی اینکه نمره خوب بگیره که نشون می‌ده علاقه داشته به رشته‌ش» و بالاترین نمره را می‌طلبند: «تو هر مقطعی که هستن بالاترین رتبه را داشته باشن».

تمرکز: این مادران جمع شدن حواس و متمرکز شدن را برای مطالعه ضروری می‌دانند: «باید تمرکز در مطالعه داشته باشیم، وقتی که داریم مطالعه می‌کنیم سعی می‌کنیم تمام حواسمونو بزاریم».

هدف‌گزینی

هدف به‌منزله کشاننده‌ای است که فعالیت‌ها را به‌سوی خویش متمرکز می‌کند. اهداف در هر دوره از تحصیل در فعالیت‌های دانش‌آموزی متجلی است و اعتبار و شغل، مهم‌ترین و آخرین آنها آن به‌حساب می‌آید.

عدم مقایسه با دیگران: این مادران به این نکته اهمیت می‌دهند که فرزندانشان، خودشان را با کسی مقایسه نکنند، که پیشی گرفتن از وضعیت قبلی خویش را مد نظر قرار دهند: «همش نگه ای کاش مٹ فلانی بودم ای کاش من بهتر بودم... باید خودشو با خودش مقایسه کنه. مثلاً آگه قبلاً ۱۸ بود ۱۹ بشه، نه اینکه که بگه همه ۱۴ شدن، من ۱۵ شدم پس خوبه!».

تجلی هدف در شغل: مادران به اهمیت شغل در سوق دادن دانش‌آموزان به سمت اهداف درسی واقف هستند: «مثلاً وقتی از یه بچه کوچولو پرسیدی که دوست داری چه کاره بشی؟ هر کی یه چیزی می‌گه؛ دکتر معلم؛ پلیس؛ خلبان. این می‌تونه مثلاً وقتی که بزرگ تر شدن اونا رو به هدف اصلی شون بهتر و بیشتر کمک کنه».

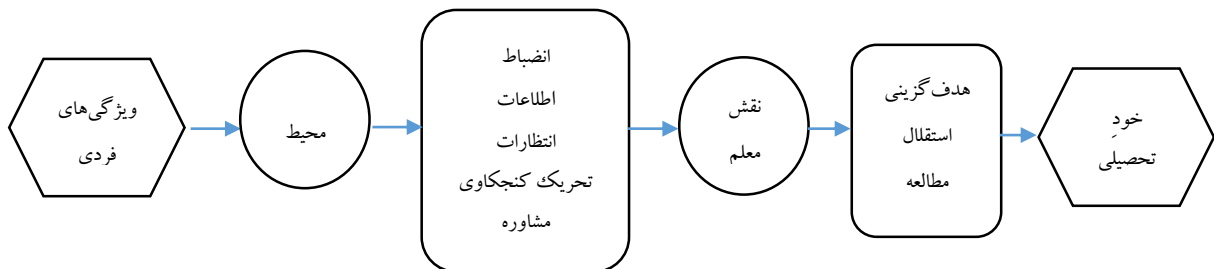
جامعه‌گرایی؛ مفید بودن: مادران، مفید بودن در جامعه را برای فرزندانشان می‌پسندند و نسبت به جامعه‌گرایی مثبت‌تری ابزار می‌کنند: «البته وقتی که آدم بزرگتر می‌شه هدفش هم بزرگتر می‌شه، اونا باید بتونن تو جامعه آدم مفیدی

تدریجی واگذار کردن: مادران به واگذاری تدریجی استقلال به فرزندانشان اشاره می‌کنند و پایان مقطع ابتدائی را به‌عنوان مقطعی می‌بینند که در بیشتر امور درسی خویش مستقل بار می‌آیند: «اول ابتدائی که بود خیلی وابسته‌تر بود تا الان که کلاس چهارمه، هرچقدر که به‌مرور زمان بزرگتر شد این استقلال بیشتر شد. فکر می‌کنم بچه‌ها در پایان ابتدائی یعنی وقتی که وارد راهنمایی می‌شن، کم‌کم دیگه مستقل باید باشن». و مادری دیگر می‌گوید: «بچه‌ها تقریباً بعد از سال‌های ابتدائی بود که تقریباً خودشان مستقل شدن».

مسئولیت‌پذیری: مادران تجلی استقلال را در مسئولیت‌پذیری می‌دانند و معتقدند در چنین حالتی است که آنها می‌توانند احساس مطبوعی از استقلال فرزندان خویش داشته باشند: «وقتی مسائل خودش واسش مهم شد و همه کارا رو برای پیشبردشون انجام می‌ده، می‌تونی دل‌شوره نداشته باشی» و مادری دیگر می‌گوید: «این خیلی بده که کاری به کارش نداشته باشی بینی که همه وقتشو صرف کارای بیهوده داره می‌کنه و از امور مهم درسیش غافله... همش تلویزیون ببینه و بازی کنه و مث اینا، نمی‌شه تو این وضعیت گفت که مادره داره کار خوبی می‌کنه که کاری به کارش نداره».

بحث و نتیجه‌گیری

با دقت در مضامین اصلی و فرعی استخراج‌شده از اظهارات مادران درباره برداشت‌هایشان از والدگری موفق در تحصیل، الگوی ترسیمی زیر قابل استنتاج است:



شکل ۱: الگوی برداشت مادران از موفقیت تحصیلی

باشه، البته بستگی به شخص هم داره این آرومی و سکوت». و دعوا و وجود مشکل در خانواده را محل این آرامش می‌دانند: «محیط باید آروم باشه، تو محیطی که داره درس می‌خونه و مطالعه می‌کنه. مثلاً محیطی که خونواده‌ها توش مشکل دارن و دعوا می‌گیرن، اون محیط مناسب نیست و توی درس خوندن بچه‌ها حتماً تأثیر منفی می‌زاره». آنها از فضای امنیتی دور می‌شوند: «نباید زیاد پا پیچ شد. وقتی می‌بینه طرف مقابل داره زیاد از حد پا پیچ می‌شه و زیادی کنجکاوی می‌کنه، اون حرفی رو که می‌خواست بزنه دیگه نمی‌زنه و جبهه می‌گیره. آدم معمولاً اینجورین که حرفاشونو تو محیط آروم و دوستانه می‌زنن».

روابط عاطفی خوب با فرزند: مادران سعی می‌کنند تا با فرزندان خویش دارای رابطه عاطفی خوشایندی باشند و آن را در آرامش مفید ارزیابی می‌کنند: «سعی می‌کنم باهاش راحت باشم، سعی می‌کنم روابط عاطفی بالائی با هم داشته باشیم». همچنین علاقه‌مند هستند تا از کارهای فرزندانشان بی‌خبر نباشند: «یه مادر باید از کارای فرزندش باخبر باشه، راجع به کارایی که می‌کنه باید باخبر باشم چون نسبت بهش مسئول هستم».

استقلال

استقلال در کارها و امور موضوعی است که از همان ابتدای تولد به تدریج به فرزند واگذار می‌شود و ارتباط محکمی با مسئولیت‌پذیری دارد.

میان‌روی در آن: این مادران حس می‌کنند که در هر سن باید به‌طور متوسط آنها را در مسائل خویش آزاد گذاشت: «نه افراط و نه تفریط؛ در حد متعادل باید باشه استقلال دادن بهش».

اساس الگوهای واکنشی تعاملی، عمل می‌کنند (۲۷) و به صورت ناخودآگاه به تعریف رابطه خویش با دانش‌آموز می‌پردازند.

نقش معلم در نوع هدف‌گزینی، میزان استقلال، و کیفیت مطالعه دانش‌آموز تأثیر دارد تا اینکه سرانجام خودِ تحصیلی دانش‌آموز شکل می‌گیرد و در نهایت، این خودِ تحصیلی است که در موفقیت تحصیلی، نقش اصلی را ایفا می‌کند. در واقع، این بخش از الگوی استخراج‌شده، تأییدی است بر پژوهش‌های کمی صورت گرفته توسط بریگمن و کمپبل (۲۸) که هدف‌گزینی، نظارت بر پیشرفت، و یادگیری فعال، تأثیرهای مثبت معناداری در موفقیت تحصیلی و رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان دارد. این یافته همچنین تأییدی است بر پژوهش صورت گرفته در این زمینه که موفقیت تحصیلی بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مدرسه و معلم و خودپنداشت تحصیلی تأثیر مثبت دارد (۲۹). در تبیین این مسئله که چگونه نقش معلم در پدیدایی خودپنداشت تحصیلی، اثرگذار است باید گفت که خودِ تحصیلی افراد تحت تأثیر کیفیت تجارب دانش‌آموزان از مدرسه و معلمان است، زیرا در سال‌های مدرسه، تجارب موفقیت‌آمیز و شکست‌آمیز دانش‌آموز، تصورات او را در رابطه با توانایی‌اش نسبت به موضوعات مخصوص درسی، تحت تأثیر قرار می‌دهد که عاطفه مربوط به موضوع درسی نام دارد و نشان‌دهنده علاقه فرد به درس خاص است. سپس با تکرار این تجارب، این عواطف به آموزشگاه تعمیم می‌یابد و سرانجام مفهوم خودِ تحصیلی دانش‌آموز شکل می‌گیرد که بیانگر تصورات فرد نسبت به توانایی یادگیری خود است (۳۰). در این پژوهش نقش سه عامل محوری و کلیدی به نظر می‌رسد: تعامل ویژگی‌های فردی با مادر، تعامل دانش‌آموز - معلم، خودِ تحصیلی. همچنین می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که خودِ تحصیلی به منزله خزانه‌ای است که جمع‌کننده تمامی اقدامات مادران و معلمان و ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان است.

در این الگو ویژگی‌های فردی با تأثیراتی که بر محیط می‌گذارد، به‌عنوان اساس و نقطه شروعی است که کیفیت موفقیت تحصیلی را در آینده رقم خواهد زد. این ویژگی‌های فردی در تعامل با محیط به ظهور تفاوت‌های فردی می‌انجامد. هر انسانی با انسان دیگر در زمینه‌های مختلف متفاوت است و این تفاوت‌ها کاملاً آشکار است (۲۳). ویژگی‌های فردی بر محیط تأثیر دارد چراکه فرد حتی در هفته‌های اول بعد از تولد هم در تعامل با مادرش کاملاً منفعل و کنش‌پذیر نیست و با حرکات و ژست‌های خاص توجه مادر را به خود جلب می‌کند (۲۴) و هم باید توجه داشت که میزان فعالیت‌ها و واکنش نشان‌دادن‌های اولیه نوزاد نیز عامل متقابلی است در تشویق اطرافیان برای فراهم کردن محرک‌های محیطی لازم (۲۵). انسان که ویژگی‌های ارثی‌اش از همان ابتدا توسط ژن‌ها مشخص شده به دنیا می‌آید و از آن پس سروکار او با محیط اطراف خود خواهد بود. اگرچه ویژگی‌های توارثی فرد در شکل‌گیری شخصیت او نقش مهمی دارد، اما باید توجه داشت که این ویژگی‌ها تنها در محیط می‌توانند شکل بگیرند. عوامل محیطی زیادی از قبیل محیط سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی، دینی و... هر کدام به نحوی در به وجود آمدن رفتارهای خاص یا جلوگیری از مستعد بار آمدن افراد، نقش دارند. چه بسیار افرادی هستند که استعداد چندان بالایی ندارند ولی محیط آنها به گونه‌ای است که این حداقل استعدادها نیز به خوبی شکوفا می‌شوند و برعکس این قضیه نیز صادق است؛ یعنی افرادی نیز هستند که استعدادهای بالقوه عالی دارند اما به دلیل نامناسب بودن محیط، این استعدادها نهفته در فرد باقی مانده‌اند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که نقش محیط در به وجود آوردن تفاوت‌های فردی، اجتناب‌ناپذیر است (۲۶).

محیط اولیه شکل گرفته شده در کنش‌های متقابل نوزاد و مادر به تدریج کیفیت ویژه انضباط، اطلاعات، انتظارات، میزان تحریک کنجکاو، و میزان تمایل برای دریافت مشاوره را رقم خواهد زد. این مسائل به عنوان یک پارادایم در کیفیت بروز نقش معلم برای فرد عمل خواهد کرد، زیرا معلم نیز بر

همچنین پیشنهاد می‌شود که از ابتدای ورود کودکان به مدارس، معلمان و مربیان مدارس پس از دریافت آموزش‌های لازم درباره چگونگی شکل‌گیری مفهوم خود تحصیلی دانش‌آموز، اطلاعات کلی تعاملی کودک و مادر را در پرونده‌ای ویژه یادداشت کنند.

تشکر و قدردانی: این پژوهش به صورت مستقل و با هماهنگی مدیران مدارس و مسئولان مشاوره ادارات آموزش و پرورش شهرستان رشت و با رضایت کتبی افراد نمونه انجام شد. نویسندگان این مقاله از تمامی مادران شرکت‌کننده در این پژوهش، و همچنین از تمامی مسئولان ادارات آموزش و پرورش شهرستان رشت، مدیران، مربیان، و مشاوران مدرسی که در زمینه شناسایی دانش‌آموزان دارای موفقیت تحصیلی و فراهم ساختن فضای مصاحبه، همکاری کردند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنند.

تضاد منافع: این پژوهش برای نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته است.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، جلب رضایت از مادران برای ضبط صوتی مصاحبه‌ها بود که باعث شد برخی از مصاحبه‌ها به صورت مکتوب یادداشت شود و برخی از مقوله‌های اولیه استنباط نشود. در این پژوهش، کیفیت تجربه معلمان از موفقیت تحصیلی و همچنین کیفیت تجربه خود دانش‌آموزان از موفقیت تحصیلی مورد بررسی قرار نگرفت و از آنجا که سه ضلع دانش‌آموز-والد-معلم، اضلاع مزوسستم^۱ نظریه الگوی زیست‌بوم‌شناختی^۲ برونفن برنر^۳ را تکمیل می‌کنند، برای پژوهش‌های بعدی و به منظور پی بردن عمیق‌تر به کیفیت موفقیت تحصیلی، پیشنهاد می‌شود که تجربه دانش‌آموزان از موفقیت تحصیلی و تجربه معلمان از موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان به صورت پدیدارشناختی مورد بررسی قرار گیرد. برای کاربست نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود مادران از ابتدای تولد فرزند نسبت به نحوه شکل‌گیری محیط اولیه تعاملی مادر-کودک، آموزش‌های لازم را دریافت کنند.

3. Bronfenbrenner

1. Mezosystem
2. Ecological systems theory

References

1. Kashahu (Xhelilaj) L, Dibra G, Osmanaga F, Bushati J. The relationship between parental demographics, parenting styles and student academic achievement. *Eur Sci J*. 2014; 10(13): 8-26. [\[Link\]](#)
2. Wood L, Bauman E. How family, School, and community engagement can improve student achievement and influence school reform Literature Review. Nellie Mae Education Foundation; 2017. 1-24. [\[Link\]](#)
3. Madhavia M. The family –school connection: parental influences in academic achievement and the underlying gender differences. *World Sci News*. 2017; 67(2): 173-188. [\[Link\]](#)
4. Laible DJ, Thompson RA. Mother-child conflict in the toddler years: lessons in emotion, morality, and relationships. *Child Dev*. 2002; 73(4): 1187–1203. [\[Link\]](#)
5. Samadi M. The effect of training methods and educational self-regulation on academic achievement. *Advances in Cognitive Science*. 2007; 9(1): 40-48. [Persian]. [\[Link\]](#)
6. Vellymalay SKN. Relationship between Malay parents' socioeconomic status and their involvement in their children's education at home. *E-Bangi*. 2013; 10(1): 98–108. [\[Link\]](#)
7. Perera LDH, Bomhoff EJ, Lee G. Parents' attitudes towards science and their children's science achievement. [Monash Economics Working Papers]. [Victoria, Australia]: Department of Economics, Monash University; 2014, pp: 2–14. [\[Link\]](#)
8. Chen HH, Newland LA, Liang Y, Giger JT. Mother educational involvement as a mediator between beliefs, perceptions, attachment, and children's school success in Taiwan. *J Fam Stud*. 2016; 22(1): 1-19. [\[Link\]](#)
9. Elliot AJ, McGregor HA. A 2 X 2 achievement goal framework. *J Pers Soc Psychol*. 2001; 80(3): 501–519. [\[Link\]](#)
10. Jokar B, Latifian M. Relationship between identity dimensions and goal orientation in a group from pre-university students in Shiraz and Yasuj. *Journal of Social Sciences and human beings of the University of Shiraz*, 2006; 25(4, 49): 27-46. [Persian] [\[Link\]](#).
11. Greene BA, Miller RB, Crowson HM, Duke BL, Akey KL. Predicting high school students' cognitive engagement and achievement: contributions of classroom perceptions and motivation. *Contemp Educ Psychol*. 2004; 29(4): 462–482. [\[Link\]](#)
12. Rabbani Z, Yousefi F. The role of mediation of goal orientation in relation to self-efficacy and homework value with a variety of cognitive strategies. *Studies in learning and instruction*, 2012; 4 (2): 49-80. [Persian] [\[Link\]](#).
13. Niksirat F, Khademi Ashkazari M, Hashemi Z. the relationship between parental child-rearing styles and academic achievement motivation in girl students. *The Journal of New Thoughts on Education*. 2017; 12(4): 151–174. [Persian]. [\[Link\]](#)
14. Jeynes WH. A meta-analysis: The relationship between father involvement and student academic achievement. *Urban Educ*. 2015; 50(4): 387-423. [\[Link\]](#)
15. Brown L, Iyengar S. Parenting styles: The impact on student achievement. *Marriage Fam Rev*. 2008; 43(1–2): 14–38. [\[Link\]](#)
16. Pellerin LA. Applying Baumrind's parenting typology to high schools: toward a middle-range theory of authoritative socialization. *Soc Sci Res*. 2005; 34(2): 283-303. [\[Link\]](#)
17. Pittman LD, Chase-Lansdale PL. African American adolescent girls in impoverished communities: parenting style and adolescent outcomes. *J Adolesc Res*. 2001; 11(2): 199–224. [\[Link\]](#)
18. Rogers MA, Theule J, Ryan BA, Adams GR, Keating L. Parental involvement and children's school achievement: evidence for mediating processes. *Can J Sch Psychol*. 2009; 24(1): 34–57. [\[Link\]](#)
19. Steinberg L, Lamborn SD, Dornbusch SM, Darling N. Impact of parenting practices on adolescent achievement: parenting, school involvement and encouragement to succeed. *Child Dev*. 1992; 63(5): 1266–1281. [\[Link\]](#)
20. ullivan MW, Carmody DP, Lewis M. How neglect and punitiveness influence emotion knowledge. *Child Psychiatry Hum Dev*. 2010; 41(3): 285–298. [\[Link\]](#)
21. Pinquart M. Associations of parenting styles and dimensions with academic achievement in children and adolescents: a meta-analysis. *Educ Psychol Rev*. 2016; 28(3): 475–493. [\[Link\]](#)

22. Erola J, alonen S, Lehti H. Parental education, class and income over early life course and children's achievement. *Res Soc Stratif Mobil.* 2016; 44: 33-43. [\[Link\]](#)
23. Stern E. Individual differences in the learning potential of human beings. *NPJ Sci Learn.* 2017; 2(2): 1-7. [\[Link\]](#)
24. Abulizi X, Pryor L, Michel G, Melchior M, Waerden J van der, Group on behalf of TEM-CCS. Temperament in infancy and behavioral and emotional problems at age 5.5: The EDEN mother-child cohort. *Plos One.* 2017; 12(2): e0171971. [\[Link\]](#)
25. Conejero Á, Rueda MR. Infant temperament and family socio-economic status in relation to the emergence of attention regulation. *Sci Rep.* 2018; 8(1): 1-11. [\[Link\]](#)
26. Beekman C, Neiderhiser JM, Buss KA, Loken, E, Moore, GA, Leve, LD, et al. The development of early profiles of temperament: Characterization, continuity, and etiology. *Child Dev.* 2015; 86(6):1794-1811. [\[Link\]](#)
27. Steins G, Behravan B. Teacher-student-relationships in teacher education: exploring three projects of knowledge transfer into action. *Psych.* 2017; 8(5): 746-770. [\[Link\]](#)
28. Brigman G, Campbell C. Helping students improve academic achievement and school success behavior. *Professional School Counseling.* 2003; 7(2): 91-98. [\[Link\]](#)
29. Zyromski BED. Succeeding in School: A Qualitative Analysis [PhD thesis]. [North Carolina, USA]: Graduate Faculty, North Carolina State University; 2007, 1-236. [\[Link\]](#)
30. Ordaz-Villegas G, Acle-Tomasini G, Isabel Reyes-Lagunes L. Development of an academic self-concept for adolescents (ASCA) scale. *Journal of Behavior, Health & Social Issues.* 2013; 5(2): 117-130. [\[Link\]](#)
31. Jeanfreau SG, Jack L. Appraising qualitative research in health education: guidelines for public health educators. *Health Promot Pract.* 2010; 11(5): 612-617. [\[Link\]](#)
33. van Manen M. Phenomenology in its original sense. *Qual Health Res.* 2017; 27(6): 810-825. [\[Link\]](#)
34. Ranjbar H, Haghdoost A, Salsali M, Khoshdel A, Soleimani M, Bahrami N. Sampling in qualitative research: A Guide for beginning. *Annals of Military and Health Sciences Research.* 2012; 10(3): 238-250. [Persian]. [\[Link\]](#)

Mothers' Experiences of Successful Parenting in Education: A Phenomenological Study

Javad Einipour^{*1}, Niloofar Shabahang²

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Organizational Resources Sciences and Techniques, Amin Police University, Tehran, Iran

2. Bachelor of Educational Sciences, Bentolhoda Sadr Campus, Farhangyan University, Rasht, Iran

Received: March 5, 2018

Accepted: July 8, 2018

Abstract

Background and Purpose: The topic of the relationship between parents and children has attracted the attention of educators over the years. The family is the first base to create a connection between the child and his surroundings. This study aimed to infer mothers' understanding of successful parenting in education to determine the angles and dimensions. Although few studies have examined the relationship between parenting styles and academic achievement, the only way that can capture the mental perception of mothers of academic achievement is a phenomenological qualitative research.

Method: Among mothers with successful children in education in Rasht city, Guilan province, 31 people were selected through purposeful sampling until they reached the saturation level, and interviewed. The conversations were recorded by permission of the mothers, recorded on paper, and analyzed using Colaizzi method.

Results: Based on the data obtained, 12 main concepts of successful parenting were extracted: discipline, stimulate curiosity, self-education, counseling, teacher role, individual characteristics, information, study, targeting, expectations, environment, and independence.

Conclusion: In this study, the role of three factors is fundamental and pivotal: interaction of individual characteristics with mother, student-teacher interaction, self-achievement. Based on the results, it can be concluded that self-achievement is a collection of all the actions of mothers, teachers, and individual characteristics of the students.

Keywords: Academic achievement, experience of mothers, parenting, phenomenology

Citation: Einipour J, Shabahang N. Mothers' experiences of successful parenting in education: a phenomenological study. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2018; 5(4): 52-66.

***Corresponding author:** Javad Einipour, Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Organizational Resources Sciences and Techniques, Amin Police University, Tehran, Iran.

Email: Joooo.einipour@gmail.com

Tel: (+98) 9111301787